

در دفاع از حق آزادی بیان در برابر خشونت کلامی سلطنت طلبان بایستیم

مهرداد درویش پور

مدتها است که برخی از روشنفکران و کنشگران سیاسی نسبت به خشونت کلامی طرفداران با نام یا بی نام و نشان احیای سلطنت در ایران نسبت به دگراندیشان هشدار داده اند. حتی برخی آنرا نشانه ای از «صدای پای فاشیسم» در اپوزیسیون خواندند.

همزمان بسیاری همچون من ضمن تاکید بر ضرورت گفتگوی عقلانی و انتقادی - به جای "همه با هم" تحمیلی این جریان یا "همه علیه هم" رایج - از ضرورت "تعامل منفی" در به رسمیت شناختن رقابت سیاسی سالم به جای دشمنی و از "آتش بس سیاسی" و خوداری از حملات اپوزیسیون به یکدیگر سخن گفتیم. زمانی که داریوش همایون زنده بود متناسب با مقتضیات زمانه به هر رو با چهره نادری در میان مدعیان "مشروطه خواهی" روبرو بودیم که تلاش می کرد نسبت به مخالفان خود نیز به قصد همگرایی در اپوزیسیون گفتگو و رواداری کند. هم از این رو من نیز در چند دیدار حضوری یا گفتگوی رسانه ای از گفتگوی سازنده و انتقادی با ایشان استقبال کردم. امروز اما بخش اعظم طرفداران احیای سلطنت چه از نوع "عجول" و چه نوع "خجول" آن (تعریف من از مدعیان امروزین مشروطه خواهی در غیاب سلطنتی که بتوان آنرا مشروطه کرد) زبانی جز هتاکی و اتهام زنی و دشمنی و تحریف و غرض ورزی برای تحمیل خود به جامعه از طریق حذف سیاسی تمام مخالفان خاندان پهلوی در اپوزیسیون نمی شناسند. جامعه سیاسی و روشنفکری ایران در برابر موج رو به گسترش پوپولیسم راست و افراطی - که از جمله در زبان زمخت آنها به چشم می خورد- نباید بی تفاوت بماند. یا تا زمانی که حمله ای به آنان صورت نگرفته، سکوت کنند. بلکه می بایست با شفافیت از حق دگراندیشان دفاع کرد. هم از این رو در زیر با اشاره به آخرین نمونه این حملات به دگر اندیشان که گریبان حسن شریعتمداری را گرفته است، همه طرفداران سکولاریسم و دموکراسی که مخالف استبداد دینی و سلطنتی هستند را به واکنش سیاسی سازنده و درخور فرا می خوانم.

در پی گفتگوی خانم فرح پهلوی - که جانشین "ولیعهد" بی تاج و تخت ایران را هم تعیین کردند، واکنش های انتقادی بسیاری برانگیخته شد که طبق معمول با فحاشی و تهدید مستقیم سلطنت طلبان روبرو شد. علاوه بر آن تعدادی نیز با عقده خواندن نقد سلطنت و غرض ورزی و دشنام و تحریف نظر و ملامت ناقدان پهلوی و مدح نظام سلطنتی، فرافکنی کرده و کلام را به چماق "معنوی" خود بدل ساختند. طنز تلخ تاریخ در آن است که کسانی که از هر نقدی به سلطنت سراسیمه و آشفته حال می شوند و دست به ترور فکری و فردی ناقدان

می زنند، دیگران را به عقده و پریشانی و تخریب خاندان پهلوی متهم می سازند. از آن مضحک تر آن است که برخی از آنها برای اعتبار بخشیدن به مداحی سلطنت، خود را جمهوری خواه نیز می خوانند در این میان توییت انتقادی حسن شریعتمداری - که مدتها از همکاری با رضا پهلوی دفاع می کرد- نسبت به اظهارات فرح پهلوی و همچنین ابهام گویی های رضا پهلوی، از این خشونت های مجازی و کلامی در امان نماند. بار دیگر ارتش سایبری سلطنت طلبان با رکیک ترین فحاشی ها و تهدید های دیجیتالی به او واکنش نشان دادند که حسن شریعتمداری نیز در توییت دیگری ضمن هشدار دوباره به رضا پهلوی، به طعنه از تشکیل حزب سومکای جدید سخن گفت

من برای جناب حسن شریعتمداری به رغم اختلاف نظر های نه چندان کم اهمیت با او، احترام بسیاری قائلم. ایشان بی شک یکی از برجسته ترین کادرهای سیاسی اپوزیسیون ایران هستند که در توسعه گفتمان جمهوری خواهی و دمکراتیک در جامعه ایران ادای سهم قابل توجهی کردند. هرچند هرگز با پروژه تشکیل شورای مدیریت گذار ایشان میانه ای نداشتم و در چند مناظره خود با او و دیگر همکاران شان کم و کیف این پروژه را نقد کردم. به ویژه تلاش برای همکاری با سلطنت طلبان و رضا پهلوی را نه تنها به سود آینده ایران، منافع ملی کشور و گفتمان جمهوری خواهی و دمکراسی ندانستم، بلکه چنین حرکتی را گامی در تضعیف جمهوری خواهی و مشروعیت بخشیدن به تحکیم اقتدار سیاسی سنتی و موروثی که رضا پهلوی آنرا نمایندگی می کند، خواندم. به گمانم گذشت روزگار و دینامیسم تحولات سالیان اخیر بهترین معیار داوری در این زمینه است که چه کسی حق داشت

با این همه، دعوت حسن شریعتمداری از رضا پهلوی برای همکاری نه تنها با پاسخ مثبتی روبرو نشد، بلکه به وارونه با افزایش اقبال نسبی از رضا پهلوی در بخشی از افکار عمومی و نزدیکی هرچه بیشتر او با گروه راست پوپولیست و افراطی فرسگرد، شاهد شدت گیری حملات هواداران رضا پهلوی با هیستری "جاویده شاه" گفتن و فحاشی به مخالفان سلطنت در اپوزیسیون هستیم. پیش تر عشیره خواندن گروه های انتیک تحت ستم ایران توسط رضا پهلوی فریاد اعتراض آنان را - که قبلا به همکاری با رضا پهلوی امیدوار یا علاقه مند بودند - را درآورد که ضمن انتقاد به سخنان او، مخالفت خود را با هر تلاشی برای احیای سلطنت عنوان کردند. امری که می بایست از جانب گروه های چپ، ملی و جمهوری خواه به فال نیک گرفته شود و گفتگوهای بیشتری را برای همگرایی با گروه های انتیکی تحت ستم در بر داشته باشد. اکنون نیز سخنان بی پرده فرح پهلوی در تعیین جانشین برای دوران پس از رضا پهلوی، واکنش انتقادی آن دسته از جمهوری خواهان نظیر حسن شریعتمداری که خواستار تعامل و همکاری بیشتر با رضا پهلوی بودند را نیز برانگیخته است. بسیاری دریافته اند باور به جمهوری خواه بودن رضا پهلوی یا امکان همکاری با او - و نه تن دادن به رهبری او - سرابی بیش نبوده است. فاصله گیری این دسته از جمهوری خواهان از رضا پهلوی نباید از سوی گروه های جمهوری خواه دیگر با بی اعتنایی روبرو شود. باید ضمن

تاکید بر حقانیت نقدهای پیشین در رد ائتلاف با سلطنت طبان و رضا پهلوی بر حق دگر اندیشی و انتقاد از یکدیگر و رقابت سالم سیاسی تأکید کرد.

حقیقت آن است که سالها است که ارتش مجازی و واقعی سلطنت طلبان به گونه ای با برنامه یا "آتش به اختیار" به شعبان جعفری های دیجیتالی و "معنوی" بدل شده اند. آنان می کوشند مخالفان جمهوری اسلامی که با احیای سلطنت و خاندان پهلوی مخالفند - از ملی گرایان گرفته تا گروه های چپ و جمهوری خواه و گروه های انتیک های تحت ستم - را با انگ مزدوری یا تجزیه طلب و خائن خواندن و غیره از میدان به در برند. در برابر این موج تولید رعب و وحشت باید از همین امروز و با قدرت ایستاد. علاوه بر آن می بایست رسانه های ظاهرا بی طرف را که به تبلیغ سیستماتیک رضا پهلوی می پردازند و همزمان صفحات مجازی خود را میدانی به هتاکی به مخالفان سلطنت بدل می سازند مورد نقد قرار داد.

به آن دسته از شبه روشنفکران به ظاهر جمهوری خواه که جز مجیزه گویی نظام گذشته و سلطنت، هنر دیگری عرضه نکرده اند، باید هشدار داد که حکومت پهلوی همچون جمهوری اسلامی حتی به همدستان و سرسپردگان و مجیز گوین خود نیز رحم نکرد. راه دمکراسی در ایران نه از طریق تخریب و تقدیس و توابع سازی دیگران بلکه از طریق رقابت سیاسی سالم و مسالمت آمیز و گفتگوی عقلانی و انتقادی می گذرد. هم از این رو پروژه گسترش دمکراسی در ایران نیازمند نه تنها عبور از استبداد دینی حاکم، بلکه این عبور و نقد فرهنگ استبدادی رایج در اپوزیسیون است

فیسبوک نویسنده